

## بازخوانی وقفنامه‌ای از دوره ناصری

### مرضیه مرتضوی

وقفنامه از مهم‌ترین اسناد شرعی است که ساختار و اصطلاحات آن از فرایند منظمی برخوردار است. وقف عملی است حقوقی که شخص به موجب آن، مالی را از مالکیت خود خارج می‌کند و از هرگونه نقل و انتقال قراری و عهدی مصون نگه داشته، و منافع آن را در امور خیریه و خدا پسندانه به طور دائم به جریان می‌اندازد.

کسی که مال خود را وقف می‌کند واقف، کسی که منافع وقف برای او قرار داده می‌شود موقوف علیه، ملکی که وقف می‌شود عین موقوفه، کسی را که واقف برای مدیریت و پرستاری عین موقوفه و تحصیل منافع و اجرای نیات معین می‌کند متولی و کسی را که واقف برای نظارت بر کار متولی تعیین می‌کند، ناظر گویند.

موقوفات از نظر مصرف دو نوع هستند: موقوفات عام و موقوفات خاص. البته این دو جهت می‌توانند توأمان باشند. اگر مصرف وقف مشخص نباشد، باید خیرات کلی (وجوه بر) شود.<sup>۱</sup> وقف قابل فروش نیست و به ارث نیز نمی‌رسد.

معمولاً ساختار هر وقفنامه‌ای از ارکانی تشکیل می‌شود که عبارت است از: تحمیدیه، دیباچه، مشخصات کامل واقف، شرط تحقق وقف (قصد قربت)، اظهار صیغه وقف، کلی‌گویی جهت مصرف، حدود اربعه موقوفه، مخارج، متولی، متولی در صورت انقراض نسل، الفاظ تشریفاتی دال بر وقوع عقد و قبض و قبول متولی و سجلات.

۱. پول‌ها که بر سبیل مبرات دهند: لغت‌نامه‌دهخدا

در سال ۱۳۸۷ش، تعدادی سند به صورت فرمان، مصالحه نامه، عقدنامه و وقفنامه توسط آقای مهدی حجت‌زاده به مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک اهدا گردید. در میان این مجموعه اهدایی، دو وقفنامه به چشم می‌خورد که یکی از آنها مربوط به وقف ملکی در بلوک غار ری توسط حاج کلبعلی آغا خواجه در سال ۱۲۶۴ق و دیگری مربوط به وقف املاکی در محله سنگلج تهران به تاریخ ۱۲۹۵ق بودند. در این مقاله برآنیم تا اولین وقفنامه را که مربوط به منطقه ری است، با بررسی مفاد آن به خوانندگان معرفی نماییم. شهرری ناحیه‌ای قدیمی است که در عهد هخامنشی ما بین دربند و دریای خزر و ماد قرار داشت، ولی جزء ماد بزرگ به شمار می‌آمد. این منطقه از دوره هخامنشیان، یکی از نقاط آباد و مهم ایران بود و در قرون اولیه اسلام نیز از معظم‌ترین مراکز آبادانی و سیاسی ایران محسوب می‌شد و این شهر مدت‌ها پایتخت سلسله آل بویه بود و در عهد سلجوقیان نیز شهر بزرگ، پرجمعیت و مهمی به شمار می‌رفته و در مواقعی هم پایتخت آنان بوده است.

رگا، رگها، راگ و راک صورت‌های پهلوی و پارسی باستان کلمه ری است. به روایت شاهنامه، نام قدیم ری «پیروز رام» بوده و در اوستا و کتیبه بیستون به نام «راگا» نامیده شده است. منطقه ری که در جنوب تهران واقع است، به نقل از دهخدا، به چهار قسم بوده است: اول بهنام، دوم سبورقچ، سوم فشاپویه و چهارم غار. آخری ناحیه‌ای است در جنوب غربی تهران، واقع در هفت کیلومتری جنوب ری و سوم کیلومتری مغرب جاده تهران - قم.

در مورد وجه تسمیه غار، در دهخدا آمده است: «امامزاده‌ای از فرزندان امام موسی کاظم(ع) را در ری، قصد کشتن کردند و او از ظالمان فرار کرد و در نواحی جال کولی، غاری پدید آمد و امامزاده پناه بدان غار برده، غایب شد و الحال آن ناحیت را جهت غایب شدن آن بزرگوار، ناحیت غار نامند و دارای چهل پاره دیه است».

مجموعه چندین قریه و ده که در منطقه غار شهرری واقع گردیده، به نام بلوک غار ری نامیده می‌شوند که از آن در این وقفنامه نام برده شده است.

لازم به ذکر است کلماتی که ناخوانا هستند، به صورت [ناخوانا] و کلماتی که در متن داخل (پرانتز) قرار گرفته‌اند، بدین معناست که در متن اصلی به شجره نوشته شده‌اند.

#### مشخصات وقفنامه

ابعاد: ۲۵/۵×۶۹ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

نوع کاغذ: نخودی آهار مهره

تعداد سطر: ۳۷

تاریخ: ۱۲۶۴ق

وضعیت فیزیکی: سالم

## محل نگهداری : خزانه موزه

### متن وقفنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله واقف على الضمائر و السرائر و الصلوة و السلام على النبي الامي العربي الهاشمي القرشي المكي الابطحي التهامي المبعوث على العبد و الحرائر و على اله و اولاده و اصحابه المتأدبين بأدابه سيما امير المؤمنين و سيد الوصيين امام البررة و قاتل الكفرة على بن ابيطالب صلوات الله و سلامه عليهم من الآن الى يوم تبلى السرائر.

حمد و ثنای بی‌عدد و منتهی، سپاس و ستایش لایعد لایحصی، حضرت خداوندی را سزاست - جل شأنه - که پرتو آفتاب عنایتش سبزه نباتات را در مزارع قلوب، اهتزاز داده و به آبیاری لطف شامل کامل بحاصل باقیات صالحات می‌رساند تا ذخیره فحط سال (یوم لا ینفع مال ولا بنون)<sup>۱</sup> گردد و حکیمی که مهربان درگاه احدیتش زبان بی‌زبانی ادای شکر نعمت‌های بی‌منتهی او نموده‌اند و بقدم اقرار به عجز و ناتوانی و ادی نا متناهی او پیموده‌اند و شفای صدور مستمندان بیمارستان حیرت و هجران به نوای غمزدای عندلیب چمن ستایش هدایت بخشی است که در گلشن ایجاد هر غنچه را کتابی از معرفت خویش در جیب نهاده و هر شاخی از اوراق بسیار از دفتر شناسایی خود دست داده. اگر چنان است دستش به تضرع و افتقار<sup>۲</sup> به درگاه عالم اسرار گشاده اگر بید است واله قدرت بی‌زوالش گردیده و سر به سجده تعظیم و تمجید نهاده و دریا به خروش حمد و ثنایش، ترزبان گردیده از صفحات امواج سفینه از وصف جمالش در کف گرفته و برای مطالعه سوادخوانان خط صنایع جهان آفرین به سرنگشت نسیم ورق می‌گرداند، صحرا کمر گشوده و برمسند کوه پشت دادار شنجرف سبزه و شقایق مجموعه مفصل الحقایق در دامن گذاشته به انواع نعمات دلنشین بدائع خلق صانع سموات و ارضی را به مسامع قلوب ارباب یقین می‌رساند (کما عزم من قائل وان من شئی الا ینسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبیحهم<sup>۳</sup>) زهی لطف کامل و فضل شاملش که برای گم گشتگان و سالکان مسالک نجات و راهنمایی بر شوارع دینی از انبیای عالی شان اعلام رفیع ساخته و بر مشاعر یقین آنرا و صیای رفیع مکان منابر صیغه پرداخته است و هر یک را بحلیه اخلاق علیه و آداب سنبه زیور داده برای رفع عساکر و وساوس شیاطین و شبهات طائفة ملحد نیز به جنود معجزات قاهره و براهین باصره مؤید گردانید. «فله الحمد علی ما اسبغ علینا من نعمائه وارسل الینا من رسله وحججه فی ارضیه وسمائه وله الشکر علی ما عجزنا عن احصائه من قسم الاثنه». ضباء بصائر ارباب یقین و جلای مسامع مقربین به مطالعه و استماع فضائل و مناقب سروری است که در طی مراحل و قطع منازل اصلاط طاهره

۱. سورة شعرا ، آیه ۸۸: روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌دهد.

۲. افتقار : حاجت به کسی پیدا کردن

۳. سورة اسراء، آیه ۴۴: آسمان‌های هفتگانه و زمین و هرکس که در آنهاست او را تسبیح می‌گویند و هیچ چیز نیست، مگر اینکه درحال ستایش تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید.

و ارواح طیبه افواج انبیاء و رسل دیده عرفان خویش را به کحل الجواهر غبار موکب همایونش جلا می‌دهند و از وفور اشعه انوار جلالش دیده شان از مطالعه جبین اطهرش خیره گردیده. در مرآت عرش انور عکس جمالش را مشاهده می‌نمودند و درود متواتر الورد و صلوات نامعدود بر آن خلاصه عالم ایجاد و شفیع یوم معاد اعنی مفخر انبیاء و زبده اصفیا (محمد) مصطفی - صل الله علیه وآله (و آل) - بی مثالش - صلوات الله علیهم اجمعین - که در یکتای محبت و گوهر گرانبهای ولایتشان دره التاج هر ملک مقرب [ناخوانا] و هر پیغمبر مرسل گردیده و عروق شجره معرفت قدر و منزلتشان در ریاض قلوب صافیه و حدائق صدور زاکیه ارباب عرفان و اصحاب ایقان دویده. اگر مسبحان طبقه افلاک و مهندسان تخته خاک در مقام عدد مناقب بی انتهای ایشان برآیند، هر آینه سبحة انجم فروریزد و ریگ صحرا و قطره دریا و ذره هوا به آخر رسد و هنوز عسری از اعشار و اندکی از بسیار احصاء نکرده باشند.

پشت فلک افلاک خمیده احسان و کره خاک غریق امتنان ایشان است. خشت زمین را به نام نامی ایشان ساختند و سراپرده عرش را برای انوار ایشان افراختند. فوج ممکنات از ظلمت باد عدم به روشنایی قندیل انوار ایشان قدم در ساحت وجود نهادند. اگر وجود فائض الجود ایشان نبود، احدی از طفلان موالید آن آبی علوی و امهات سفلی نزادندی. فصلوات الله علیهم اجمعین ابد الابدین ولعنه الله علی اعدائهم و مخالفیهم.

بر صاحبان عقل و بینش مخفی نماناد که عامه ساکنین و قاطبه متوطنین رباط و سرای دو در<sup>۱</sup> از شاه و درویش، مرگ و مردن در پیش است و چون غرض اصلی از سکنا در آن تحصیل باقیات صالحات است که ذخیره روز عرصات است (لهذا)، توفیق رفیق و شامل حال خیریت مال عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت دستگاه فخامت و مناعت اکتناه<sup>۲</sup> طائف بیت الله العالی (الحاج کلبعلی خواجه آغا) زید عزه و علاه گردیده و قربه الی الله و طلبا لمرضاته (وقف) صحیح موبد و حبس صریح مخلد شرعی نمود بالطبع و الرغبة (همگی) و تمامی کل شش‌دانگ قریه محمودآباد ملک ایتبایی خود را که از قرای بلوک غار ری و به حدود ذیل محدود است با جمیع توابع و لواحق آن ممر و مدخل و منابع و مجاری و مزارع و مراتع و اراضی و صحاری و براری و قلعه و بیوتات واقعه در آن و باغات و آسیا و سائر متعلقات و منضامات آن هرچه باشد. بالتمام بدون وضع چیزی از آن کلا وطرا به قاطبه و کافه مؤمنین اثنی عشریه که هر ساله منافع آن را بعد از وضع اخراجات و تعمیر و تنقیه و آبادی قریه مزبوره یک عشر از منافع و محصول آن را جناب متولی از بابت حق التولیه خود بردارد و از نه عشر باقی، سه عشر را که یک ثلث آن باقی است، صرف تعزیه داری و مرثیه خوانی و امورات متعلقه به آن از خرج خواننده و قهوه و غلیان و آب و طعام و اجرت خدمتکار و غیرذلک نمایند، در هر مکان و زمان که صلاح دانند از برای حضرات چهارده معصوم و متعلقین ایشان از شهدا و اسرا و امثال ایشان هر که در شریعت مطهره تعزیه‌داری برای ایشان مستحسن و مطلوب

۱. سرای دو در : دنیا.

۲. اکتناه : به کنه چیزی رسیدن.

است و سه عشر دیگر را که یک ثلث دیگر است، صرف روشنایی آستانه و رواق و صحن مقدس امامزاده لازم التکریم و التعظیم حضرت عبدالعظیم و امامزاده حمزه و امامزاده طاهر و تعمیر اماکن مشرفه مزبوره ایشان نمایند و سه عشر باقی را که ثلث باقی است اثلاث نموده، دو ثلث از آن را که دو عشر از کل است، به حضرات خدام اماکن مشرفه مرقومه بدهند و یک ثلث از آن را که یک عشر از کل است، به حضرات طلاب و مشتغلین علوم شرعیه ساکنین زاویه مقدسه زاده الله شرفاً و عزاً و تعظیماً برسانن (و تولیت) عین موقوفه که قریه مرقومه است، حسب القرار و الشرط در هر مرتبه مفوض است به جناب متولی فیض آثار (و صیغه) وقف مزبور به نحو مقرر در شریعت مطهره بالفارسیه و العربیه ایجاباً و قبولاً جاری گردید و عالیجاه واقف سابق الالقب عین موقوفه را به قبض و تصرف جناب متولی الیه داده فصار الوقف وفقاً صحیحاً لازماً شرعياً و علیه التصریف فیه و صرف منافعه فیما زبر و سطر (فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ) <sup>۱</sup> اللّهم وفقهما و احفظهما

عن جمیع البلیات و الافات و الحادثات به جاه (محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجّة الحسن علیهم السلام). و کان ذلك فی شهر شوال المکرم از شهر سنه هزار و دویست و شصت و چهار سنه ۱۲۶۴.

### سجلات از پایین به بالا سمت راست

السواد و الاصل متطابقات متنا و هامشا ابا العبد - مهر بیضی: محمد بن حسین الحسینی.  
السواد مطابق الاصل متنا و سجلا - مهر بیضی: محمد بن عیسی؟ الحسینی.  
بسمه تعالی السواد مطابق لاصله متنا و هامش - مهر ۸ گوشه: عبده الخاطی محمد حسن ۱۲۸۷.  
بسم الله السواد مطابق مع الاصل متنا و هامشا و انا العبد - مهر مربع: لا اله الا الله الملك الحق المبين محمد علی.  
بسم الله خير الاسماء و مطابق لاصله الملحوظ متنا و سجلا حرره الاحقر - مهر بیضی: الراجی مهدی الحسینی.  
بسم الله الرحمن الرحيم السواد مع اصله المعتبر متطابقان متنا و سجلا حرره الاحقر فی سلخ جمادی الاولی ۱۳۱۸ - مهر بیضی: الراجی محمد بن عبد الله الموسوی.  
السواد مطابق لاصله المعتبر متنا و هامشا حرره - مهر بیضی: و القاهر به الغنی محمد علی بن علی.  
بسم الله الرحمن الرحيم. السواد مطابق لاصله المعتبر متنا و سجلا حرره الاحقر فضل الله الموسوی مهر مربع: یسئلک من یوتیه فضل الله.

۱. سورة بقره، آیه ۱۸۱: پس هر کس آن وصیت را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهش تنها برگردن کسانی است که آن را تغییر می دهند.

بسمه تعالی. مطابق لاصله المعتبر الذی لایرتاب [ناخوانا] العمل بما اودع فیه ۲۹ جا ۱۳۱۸. حرره [ناخوانا] - مهر بیضی : المتوکل علی الله الغنی عبدالله علی الموسوی. بسم الله الرحمن الرحیم. مطابق لاصله المعتبر الذی یجب العمل بمقتضاه متنا و سجلا حرره الاقل فی جمادی الاولی ۱۳۱۸ - مهر بیضی : عبده الراجی محمد حسین. قد وقع مارقم فیه لدی - محل مهر مرحوم جنت مکان خلد آشیان زین العابدین ابن آقا سید محمد ابراهیم ساکن زاویه مقدسه. قد قوبل ذامع فهما متنا وسجلا حرره الاحقر فی ج اول ۱۳۱۷ - مهر بیضی : محمد تقی بن محمدحسین بن علیرضا الحسینی. قد اعترف بما سطر فیه لدی - محل مهر مرحوم جنت مکان آقا سید آقا بابا الحسینی ساکن زاویه مقدسه.

بسم الله الرحمن الرحیم حوزی؟ ذامع اصله المتبر اکبر [ناخوانا] - مهر بیضی : عبده حسین الرضوی ۱۳۰۹.

بسم الله تعالی نظر به سجلات العلماء الاعلام و الفقهاء الکرام طاب ثراهم وجعل الجنة مکانهم و ماوهم الوقف و القبض و شرائط الصحة و اللزوم بتمامها و کمالها حاصله فیها و محکوم بالصحة و اللزوم حرره الاحقر فی السادس و العشرین من ذی الحجة الحرام ۱۳۱۷ - محل مهر جناب مستطاب عمده العلماء و زبدة الفقهاء سید المجتهدین آقای آقا سید علی اکبر تفرشی دام ظلّه.

### سجلات بالای وقفنامه

قد اعترف الوقف بما رقم فیه لدی و انا العبد سنه ۱۲۶۴ - محل مهر مرحوم جنت مکان و رضوان خلد آشیان حاجی سید آقا بزرگ طاب ثراه. لامرکما سطر و رقم و انا العبد الجانی عبد الله المتولی الطهرانی - محل مهر مرحوم طاب ثراه. بسم الله تعالی الامرکما زبر و رقم فیه لدی و انا العبد المذنب - محل مهر مرحوم جنت مکان خلد آشیان طوبی مکان آقا شیخ محمد ابراهیم. بسم الله خیر الاسماء قد صدر الوقف مزبور علی نهج المرقوم و وقع القبض و الاقباض و التسليم و التسلیم و انا العبد الاحقر - محامهر مرحوم جنت مکان خلد آشیان رضوان جایگاه آخوند ملا علی اکبر کرمانی طاب ثراه وجعل جنة المکانة و ماوائه. قد اعترف الواقفتمارقم فیه لدی و انا العبد - محل مهر مرحوم مغفور جنت مکان حاجی آقا کلیددار آستانه مقدسه حضرت عبد العظیم. بسم الله تعالی قد ثبت و تحقق وقوع الوقف المزبور علی الوجه المسطور مقرونا بما یعتبر فیه صحه و لزوما عندی فی ۱۲ شهر صفر ۱۲۶۹ - محل مهر مرحوم المغفور الساکن فی جوار رحمه الله المغفور حاجی ملا میرزا محمد اندرمانی ساکن طهران.

الامرکما سطر ورقم فيه وانا العبد - محل مهر مرحوم جنت مکان خلد آشیان آقا سید علی ساکن زاویه مقدسه

بسم الله تعالى شانه نعم قد وقع الوقف الموبد المرقوم مقترنا بما هو معتبر فيه من شرائطه صحه و لزوما فی شهر شوال المکرم من سنه اربع و ستين بعد الف و ماتين من الهجرة لدى العبد المحتاج الى عفو ربه الغنى - محل مهر مرحوم جنت مکان خلد آشیان رضوان آرامگاه ملا رجبعلی ساکن زاویه مقدسه.

محل مهر مرحوم جنت مکان خلد آشیان رضوان جایگاه آقا شیخ رضا طهرانی طاب ثراه و جعل بسم الله تعالى لاشبهة لی فی صدور الوقف مقرونا بشرائطه وما يعتبر فيه علی النهج المرقوم - الجنة - محل مهر مرحوم مغفور جنت مکان شیخ العراقرین اعلم العلما و العالمین واقفة المتقدمین و المتأخرین شیخ عبد الحسین طهرانی طاب ثراه.

بسم الله تعالى قد جرت صیغة الوقف فی هذا الورقة لدى فی شوال المکرم سنه ۱۲۶۴ - محل مهر مرحوم مغفور جنت مکان طوبی آشیان عمدة العلما و الملین و زبدة الفقهاء و المجتهدين أخوند ملا عبد الکریم ساکن طهران.

المرکما سطر فيه و انا الاقل محمد بن حسین الحسینی التتکابونی الشهير بداماد. بسم الله خیر الاسماء قد وضح و ثبت لدى کلما سطر فيه حرره فی ۱۱ شهر صفر ۱۲۶۹ - محل مهر مرحوم مغفور جنت مکان رضوان جایگاه الغریق فی بحر رحمته الله آقا شیخ مهدی طاب ثراه. بسم الله تعالى قد صدر الوقف و القبض و انا الاقل المذنب - محل مهر المرحوم المغفور عمدة الفقهاء و المجتهدين و زبدة العلماء العالمین افقه المتأخرین و کمل السابقین شیخ عیسی الزاهر النجفی طاب ثراه و جعل الجنة ماوته و [ناخوانا].

بسم الله العزيز المتعال جرت صیغة الوقف الصحيح الموبد بشرائطها صحه و لزوما مشتمله علی القبول منی و وقع القبض باذر الواقف الموفق فیشهد شوال المکرم من سنه اربع و ستين بعد الف و ماتين من الهجرة حرره ۱۲۶۴ - محل مهر مرحوم علیین آشیان اعلم العلماء العالمین افقه الفقهاء و المجتهدين حجة الاسلام و المسلمین حاجی ملا علی کنی اعلى الله مقامه و رفع فيه درجة فی اعلى علیین.

### بررسی متن وقفنامه

بر اساس ارکان هر وقفنامه، ساختار وقفنامه حاضر به شرح زیر است:  
- تمجیدیه: آغاز متن وقفنامه با نام و حمد و سپاس خدا و تجلیل از مقام پیامبر و امیرالمؤمنین است. نکته قابل توجه در این قسمت، ذکر عنوان الواقف علی الضمائر و السرائر است که از همان ابتدا خواننده را متوجه می‌کند که این سند یک وقفنامه است.  
- هدف واقف: در این وقفنامه، واقف هدف خود را بر اساس باقی نهادن باقیات صالحات از خود ذکر

نموده است.

- نیت واقف: نیت که یکی از مهم‌ترین عناصر فقهی در اسلام است و شالوده اصلی در هر عمل محسوب می‌شود، در این سند با عناوین قربة الی الله و طلبا لمرضاة الله آورده شده است.  
- دائمی بودن وقف: واقف با ذکر کلمات وقف موبد و حبس مخلد شائبه موقتی بودن این موقوفه را از میان برداشته است.

- نوع وقف: وقف در این سند از نوع عام است که برای قاطبه و کافه مؤمنین اثنی عشریه وقف گردیده است.

- مصارف وقف: مانند سایر وقفنامه‌ها که درآمد هر موقوفه می‌بایست ابتدا به مصرف آبادی آن موقوفه برسد، در این وقفنامه نیز ذکر شده که مصرف اولیه درآمد آن ابتدا باید صرف عمران و آبادی عین موقوفه گردیده و سپس بعد از کسر اخراجات، به مصارف ذیل برسد:

- پرداخت یک عشر از منافع حاصله به عنوان حق التولیه به متولی.  
- مصرف سه عشر از این منافع جهت تعزیه داری و مرثیه خوانی و غلیان و طعام و آب و اجرت کارگر.  
- مصرف سه عشر دیگر جهت روشنایی آستانه و رواق و صحن امامزاده عبد العظیم و امامزادگان حمزه و طاهر و تعمیر اماکن مزبوره.

- از سه عشر باقیمانده، یک ثلث مختص طلاب و مشتغلین علوم شرعیه ساکنین زاویه مقدسه (عبدالعظیم) و دو ثلث دیگر، ویژه خدام این اماکن مقدسه در نظر گرفته شد.  
- صیغه: از ارکان مهم یک وقفنامه است که در این وقفنامه به دو صورت فارسی و عربی جاری شده است.

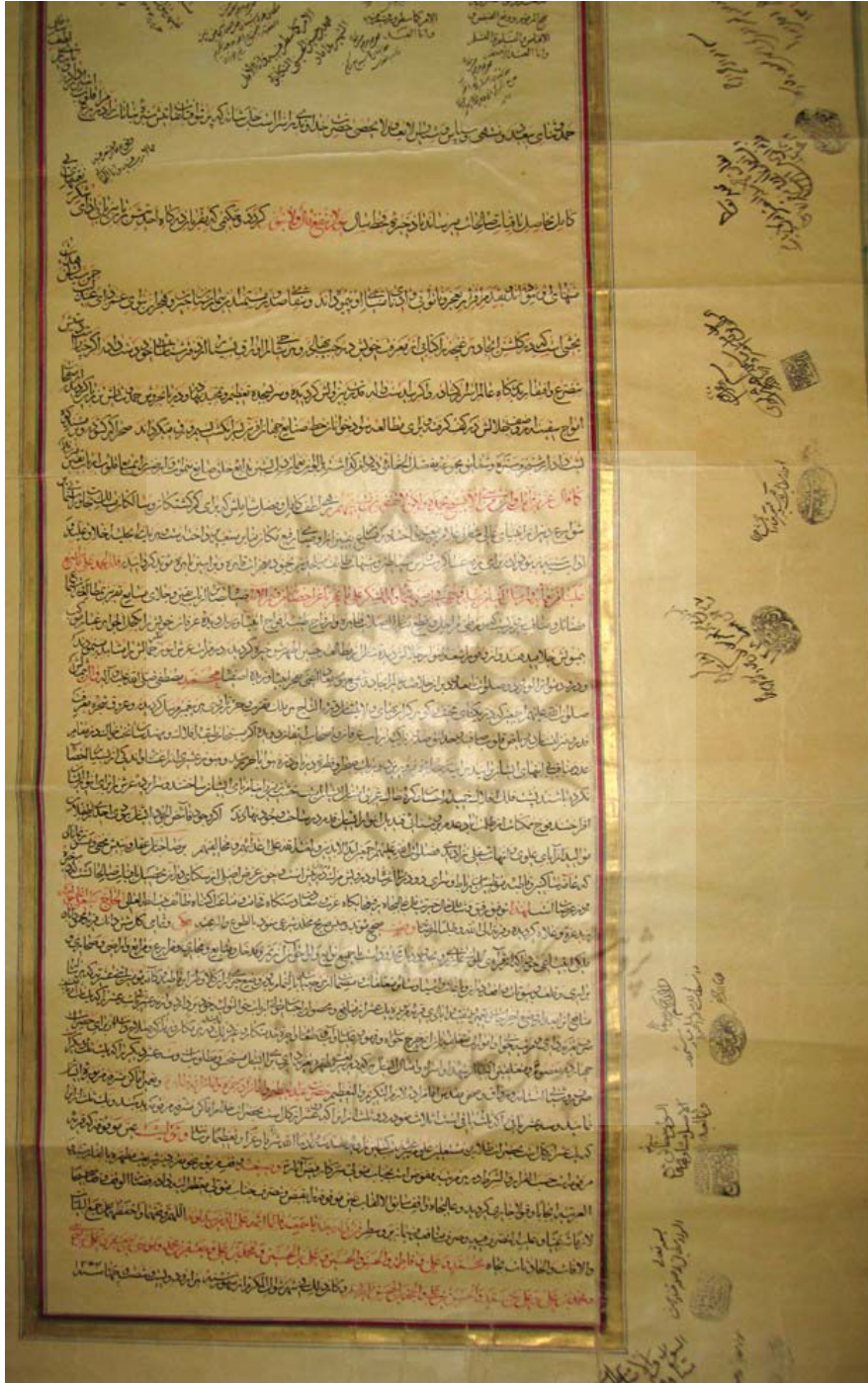
- متولی: در این وقفنامه برای عین موقوفه یک متولی، در نظر گرفته شده که با عنوان سرکار فیض آثار از وی نام برده شده است.

- عدم اجازه تصرف و تبدیل در عین موقوفه

- تاریخ ماه و سال وقف.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





پیام بهارستان / ۳، ش ۱۱ / بهار ۱۳۹۰